

باغ‌های ایرانی و اسپانیایی



مانوئل گُمز آنوار به
ترجمه و ویدا ایبانه

معمار دورنمای اسپانیایی، مؤسس انجمن اسپانیایی دوستداران باغها و دورنمای آن و نویسندهٔ دو کتاب در خصوص باغ: «Los coprichos de Gaudi en los Jardines de sobrellano» و «Jardines du maroc d'Espagne et du Portugal» و نیز چاپ مقاله‌های مختلف در این قلمرو در مجله‌های تخصصی.

باغها به خاطر قدمت و زیبایی‌شان یکی از اصلی‌ترین جنبه‌های هنری فرهنگ ایرانی هستند، با این وجود، علی‌رغم سادگی و بی‌آلایشی، تعبیرهای پیچیدهٔ زیادی در آنها نهفته است و با دیگر جنبه‌های هنری امپراتور قدیم که زندگی آنها پشت در پشت به روزگار ما رسیده، درهم آمیخته شده است.

فرهنگ خاورمیانه به طور ثابت رشد و گسترش یافت و افسانه‌های با ارزش، اندیشه‌ها، اشعار و دانش پیشرفته هیدرولیک و گیاه‌شناسی را منتقل کرد. همهٔ اینها را می‌توان به عنوان سنت و فرهنگ قدیمی‌ترین ناحیهٔ دنیا در نظر گرفت.

کشاورزی، پایه و اساس پیشرفت علمی و معنوی و نیروی پنهان در پشت فرهنگ ایرانی و آنچه که تبدیل یک بیابان وسیع را به یک باغ بزرگ و رنگارنگ به خاطر پیشرفت دانش هیدرولیک ممکن ساخت، بود.

باغ‌های ایرانی توسط دیوارهای خشتی محصور شده‌اند و دارای ورودی بسیار ساده هستند. در باغ فین کاشان بعد از گذر از راهروهای پرپیچ و خم، بلافاصله فوران آب و سایه‌ها دیده می‌شود. هماهنگی خاصی بین معماری و طبیعت ساخت بشر، از لحاظ مادی و معنوی وجود دارد. به هر حال تشخیص انواع مختلف باغها از طریق تاریخ کشوری مانند ایران ساده نیست.

باغهای متعلق به شاهان و اشراف به طور واضح قابل تشخیص و شناخته شده هستند. باید زمین

باغهای مدارس (حوزه‌های) علمی، آرامگاه‌های بزرگ، کاروانسراها، بازارها و خانه‌های مردم عادی را نیز به آن افزود. بسیاری از باغهای مردم عادی در سراسر کشور سبب شدند ایران یک کشور منحصر به فرد در قلمرو باغ باشد. این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باغ نامی است که به زمین زراعی محصور شده توسط دیوار، داده شده و نه تنها برای تولید سبزیجات و میوه بلکه به عنوان مکانی برای گذران اوقات فراغت و تفریح استفاده می‌شود. بد نیست که در ایران، از دریای مازندران به خلیج فارس، از خراسان به لرستان سفر کنید. برای درک این که این باغها نه تنها به عنوان محلی برای الهام گرفتن جهت آفرینش‌های بزرگ هنری بلکه بهترین مکان برای تزکیهٔ روح نیز هستند. باید به اهمیت فرهنگی و هنری مزرعه‌های زراعی برنج، تنباکو یا نیشکر در شمال یا انواع مختلف غلات در بیشتر نقاط کشور که نه تنها مردم در آنها کار می‌کنند بلکه اوقات فراغت را نیز سپری می‌کنند، توجه کرد.

در حالی که باغ‌های تاریخی زیادی به طور تدریجی هویت اصلی خود را از دست داده‌اند، باغهای مردم عادی هنوز به واسطه سیستم مستقل زنده مانده‌اند و به مکان‌هایی تبدیل شده‌اند که با اطرافشان هماهنگ هستند. این باغها به طور مستقیم با سبک کشاورزی که هزاران سال پیش وجود داشت، مرتبط هستند و از طریق سیستم‌های سنتی آبیاری، زنده مانده‌اند.

در ایران متدهای جمع‌آوری آب توسط قنات به طور گسترده‌ای توسعه یافته بود و حتی امروزه نیز در بعضی مکان‌ها دیده می‌شود. آب در همهٔ باغها مورد نیاز است ولی در باغهای ایرانی آب مهمترین عنصر اصلی به حساب می‌آید تا حدی که می‌توان آنها را باغهای آبی نامید.

بوعلی سینا مطالعات هیدرولیکی را ابتدا برای ساختن ابزار به روشی که مستقل از علوم صنعتی

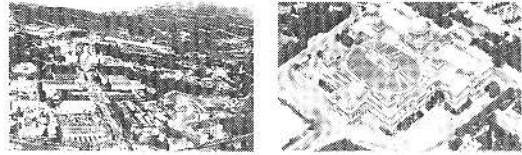
بود و سپس بر روی کشاورزی اعمال نمود و باغها و دورنماهای آن به یک نمونه واقعی در دنیای اسلامی تبدیل شدند. دانش او در Geoponics به اندلس رسید و در آنجا انقلاب کشاورزی واقعی تحقق یافت.

در بسیاری از موارد قنات، به جوی و محور مرکزی باغ تبدیل می‌شود که با استفاده از نیروی جاذبهٔ زمین و بدون هیچ تجهیزات مکانیکی از طریق سیستم ساده هیدرولیک آب منتقل شده و استخرها، فواره‌ها و کانال‌ها را پر، آبشارها را ایجاد و همچنین بستر گلها را آبیاری می‌کند. به عبارت دیگر آب قنات به مرکز باغ اجازه می‌دهد که از یک یا چند استخر تشکیل شود. این استخرها توسط کانالهای باریکی که می‌توانند زیر زمین پنهان باشند، متصل می‌شوند.

گاهی اوقات طرح باغ به شکل صلیب (علامت ضربدری با بعلاوه) یا «چهارباغ» که توسط کانالها، مسیرها یا ترکیبی از آنها شکل می‌گیرند، می‌باشد. ولی به حدی دقیق به نظر می‌رسد که دارای هماهنگی بسیار پیچیده‌ای هستند. برای مثال در باغ جهان‌نما در شیراز استخر داخلی باغ از مرکز، چهار استخر کوچک خارجی را تشکیل می‌دهد. همین مسئله در باغ دولت‌آباد در یزد نیز صدق می‌کند. اگرچه این ارتباطات بسیار جالب و شگفت‌انگیز می‌باشد. مانند بادگیر که نمادی از ارتباط عملی بین آب در مرکز باغ و خورشید به نظر می‌رسد. این دو عنصر مورد نیاز با این که متضاد هم هستند مکمل یکدیگر نیز می‌باشند.

به نظر من، اگر آب با سیستم‌های پیچیدهٔ خود در باغهای ایرانی وجود دارد به دلایل مختلفی ارتباط دارد که هنوز کاملاً مشخص نشده‌اند. سنت قدیم، آناهیتا، الههٔ آب به عنوان قویترین و در عین حال مبهم‌ترین نیروی طبیعت، قابلیت پرستش را عطا کرده است. بسیاری از باغهای قدیمی در این کشور در کنار منبع آب و برکه‌ای که جمعیت را با

شده‌اند. در اولین کاخ دو ایوان روبروی یکدیگر و چهار استخر دیده می‌شود. یک بالکن به سکوی دوم مشرف است و به شکل صلیب نیز می‌باشد. تأثیرهای مفهوم ایران بر روی باغهای اسپانیا وجود دارد.

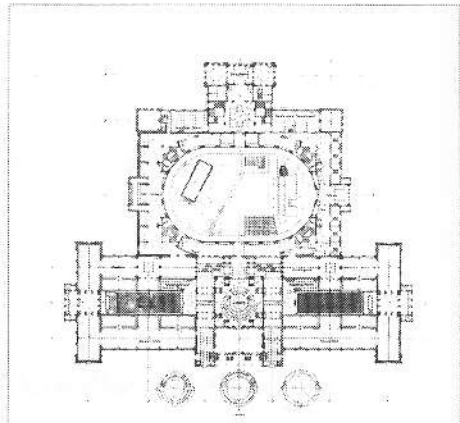
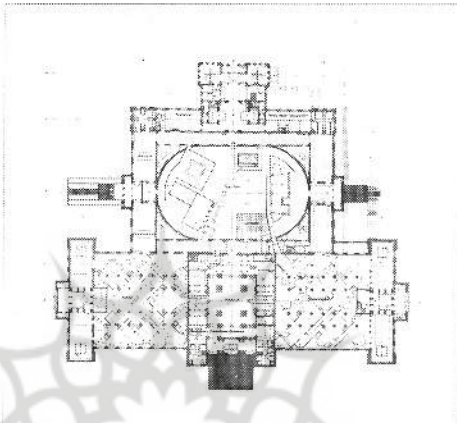
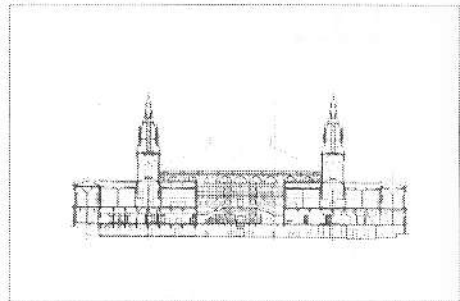
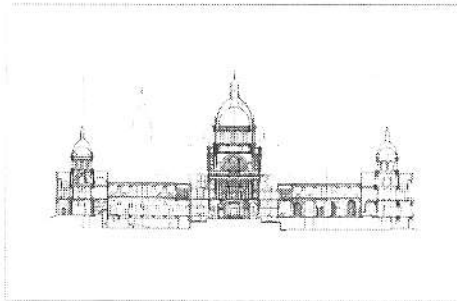


الگوی «چهارباغ» به این شکل است که فضا توسط چند خطوط آبی به چهار قسمت تقسیم می‌شود. بسترهای گیاهی غرق شده در آب یک مفهوم فارسی است اما اگر این مفهوم به بالاترین نقطه زیبایی خودش برسد مثل باغهای الحمرا در گرانا جایی که شهرت او در تمام دنیای اسلام شناخته شده است و در عین حال یک افسانه به نظر می‌رسد تأثیر باغهای اندلس به آسانی می‌تواند تا دنیای شرق هم رسیده باشد.

برج Ladies و باغ Myrtles مربوط به قرن چهاردهم است. باغ Lions به سنت باغسازی ایرانیان بیشتر نزدیک است. سرچشمه مرکزی این باغ با الهام از باغ ایرانی، مرکز چهارباغ است در حالی که این باغ نیز در قرن چهاردهم ساخته شده است و در مسافت کوتاهی از کاخ‌های الحمرا باغهای Generalife دیده می‌شود. Generalife یک کلمه عربی است «جنت‌العرفی» به معنی بهشت معماری. این باغها روی سطح شیب‌دار یک تپه در حالی که آب سرازیر می‌شود ساخته شده‌اند. پلکان آبی نیز در آن به یک جویبار آب تبدیل می‌شود. برای مثال می‌توان به باغ فین در کاشان و باغ فرح‌آباد توجه کرد.

در زمان حکومت صفویه (۱۷۲۲-۱۵۰۲)، مصادف با رنسانس در اروپا، به دستور فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا، باغ la fresneda نزدیک پایتخت امپراتوری ساخته شد. این باغ آبی متشکل از تعداد متعددی استخر بود که کوتاهترین آنها از نظر سطح، یک جزیره در میان آن وجود داشت و شبیه یک باغ اسپانیایی به نام El Bosque de Bejar در دوره رنسانس بود. باغهای اسپانیا در بسیاری از موارد وجه مشترکی با باغهای ایرانی از جمله فرح‌آباد نزدیک بهشهر یا شاه‌گلی در تبریز دارد. باغهای El Escorial در اسپانیا با استخرها و زمین‌هایش باغهای صفوی ایران را به خاطر می‌آورد.

در قرن نوزدهم باغهای سراسر دنیا تحت تأثیر سبک معماری انگلیسی دچار لطمه شدند. در طول حکومت قاجار ساختار باغهای ایرانی به خصوص باغهای تهران، تحت تأثیر این سبک تغییر کردند. تلاشهایی که در عصر جدید برای برآوردن نیازهای جامعه صنعتی صورت می‌گیرد، از ورزش گرفته تا انواع فعالیت‌های تفریحی باغهای سنتی را به پارکهای خسته‌کننده تبدیل می‌کنند. ترکیب کردن



می‌شود و با آنچه که در تمدن‌های غربی استفاده می‌شود کاملاً متفاوت است. تصور من این است که در اندلس برای کشاورزی از سیستم هیدرولیک استفاده می‌شد و باغها به بیشترین شکوه و ظرافت رسیدند.

عنصر مورد نیاز دیگر باغهای ایرانی درخت میوه است. شاخ و برگهای مختلف و زیبا و عطرآگین گلها و میوه‌های آن وجود پرندگان را می‌طلبد. باغ بدون پرند یا آواز پرندگان، یک باغ مناسب نیست. معمولاً سالها زمان می‌برد تا بلبل‌ها از یک باغ به عنوان خانه خودشان استفاده و آن را تبدیل به بلبستان کنند. قدیمی‌ترین باغهای ایرانی بر روی یک سکو در کنار کاخهای مجلل ساخته شدند. مانند پرسپولیس و آرامگاهها مثل آرامگاه کورش. بنابراین این سنت و ایجاد قدرت باشکوه در طول دوره حکومت ساسانیان (از سال ۲۲۴ تا ۶۳۷) ادامه یافت. با این وجود برای مثال از تیسفون و بیستون چیز زیادی باقی نمانده است. به منظور تأمل به بهترین مثال Medinat al-zahrat نزدیک کردوبا در اسپانیا توجه کنید. در قرن نهم در کاخهای Samarra روی رودخانه Tigris و کاخ Tulunid در الحمرا در مصر که حدود سیصد سال پیش ساخته شدند به شکل صلیب و دارای دو سکو می‌باشند و توسط پارکهای مخصوص شکار احاطه

خصوصیت‌های سحرآمیز و نمادین به خود جذب کرده، ایجاد شدند. مانند فیروزآباد نزدیک شیراز و طاق‌بستان در کرمانشاه. این سنت به نظر نمی‌آید که برچیده شده باشد مانند باغهای چشمه‌علی نزدیک دامغان که به دوره قاجار برمی‌گردد. امروزه ایرانیها هنوز به مواد ریشه‌های زیر آب از یک درخت چنار قدیمی که از آب داخل کوه تغذیه می‌شود، وابسته هستند. آب عنصر متضاد و مکمل آتش (مهمترین نماد زرتشتیان) است.

آب نماد مقدسی از قدرت است که استفاده از آن المانهای حیاتی و مقدس را ایجاد می‌کند. آب در ادامه مسیر خود باغهای دیگر را به عنوان بخشی از بخش کشاورزی آبیاری می‌کند. در نتیجه، باغها به نسبت سیستم‌های پیچیده آب طراحی می‌شوند و به جنبه‌های نمادین و همچنین لذت از تماشای آب در استخرها یا حرکت آب زمانی که باغبانها کانالهای کوچک را با یک بیل باز می‌کنند و یا به صدای آبشار و فواره گوش می‌دهند، توجه می‌کند.

استفاده آب در ایران بزرگترین تأثیر را بر غرب و شرق می‌گذارد. شهرتی که به دست آمده و هنوز توسط فرهنگ اندلس در اسپانیا حفظ شده، به طور مستقیم به استفاده آب و کاربرد آن در آن سیستمی که در تمام دنیای اسلامی به کار می‌رود، مربوط